

آموزش مداحی

جلسه اول

آداب و اصول ذاکری - مقدمه

استاد: حاج حسین سازور

در ابتدا بنده چند نکته را باید در جمع شما ستایش جویان اهل البیت(ع) عرض کنم. همانطوری که می دانید خواندن در پیشگاه حضرت سیدالشهدا(ع) دارای یک سری ظرافت ها و لطافت هایی است که رعایت آنها باعث اثرگذاری بیشتر، هم در ذاکر یا مداح و هم در مستمعین می گردد و همانطوری که خواندن مداح یا ذاکر، دارای ظرافتهای خاصی است، شخص مداح یا ذاکر هم نیز باید از نظر روحی لطیف و ظریف باشد. زیرا انسان سنگدل، هیچگاه نمیتواند فردی مؤثر و نوکری ارزشمند برای امام حسین(ع) باشد. یکی از مواردی که باعث سنگدلی فرد می شود، اینست که ذاکر یا مداح به این مسئله، یعنی مداحی اهل البیت(ع) به عنوان یک شغل نگاه کند.

نکته دیگر اینکه ما باید توجه داشته باشیم که دریای خوانندگی و مداحی اهل البیت(ع) آنقدر وسیع است که تمامی ندارد. خواندن در دستگاه امام حسین(ع) مانند دعا کردن، تمامی ندارد، میدان وسیعی است که حدود آن را نمی توان معین نمود. همانطوری که ما نمی توانیم برای فضائل و کرامات اهل البیت(ع) حد و حصری قائل شویم، برای نوکری اهل البیت(ع)، از نظر ارزش گذاری معنوی نیز نمی توان حد و حدودی در نظر گرفت.

دیگر اینکه در دستگاه سیدالشهدا(ع)، داشتن صدا و صوت خوب، اصل نیست گرچه صدا جذابیت دارد، یا اصل، داشتن محفوظات نیست گرچه محفوظات جایگاه

ویژه‌های در ذاکری دارد و همه اینها در بهتر فهماندن معارف اهل البیت(ع) لازم است. ولی اینها همه جزو ابزار مداحی هستند و اصل چیز دیگری است که ما در این درس به توضیح آن اصول می پردازیم. البته ما در این مقال، آداب مداحی و ذاکری را خدمت شما عرض خواهیم کرد. مطالب هم مطالبی تازه ای است البته نه اینکه این مطالب نبوده اما در ذاکری و مداحی اهل البیت(ع)، خیلی از افراد به این اصول بی اهمیت و بی دقت هستند.

اصول و پایه ذاکری بر ۴ محور استوار است:

۱- آداب ذاکری

۲- فنون ذاکری

۳- تاریخ در ذاکری

۴- مقتل در ذاکری

استاد: حاج حسین سازور

تعریف مدح و مداحی:

مدح یعنی بیان صفات ممتاز یک شخص یا یک شی و مداحی نیز در اینجا یعنی بیان فضائل و ویژگیهای اهل البیت (ع). مداحی صفت توحیدی است و مداحی کردن یک فرد همان تعریف از صفت توحیدی خداوند است.

مدح دو گونه است یا مدح ممدوح است یا مدح مذموم.

الف: مدح ممدوح یعنی مدحی که خودش مدح شده است. شما از هر چیز خیری دفاع و تعریف کنید مدح ممدوح است و بالاترین آنها مداحی اهل البیت(ع) است.

ب: مدح مذموم نیز یعنی مدح مادیات و سلاطین و هر مدحی که برای دنیا پرستان گفته شود و رنگ و بوی الهی نداشته باشد، مانند چاپلوسی کردن. این مدح، همان

مدحی است که مداح باید از آن دوری کند و با آن مقابله نماید. البته این مداح است که باید تشخیص دهد جایی که می‌رود در آنجا مدح ممدوح می‌شود یا مدح مذموم.

انواع مداحی ممدوح:

الف: مداحی از لسان خداوند:

همانطوری که قبلاً عرض شد مداحی یک صفت توحیدی است و اولین مدح‌کننده نیز همان خداوند است. اگر دقت کرده باشید خدای متعال در بسیاری از آیات قرآن کریم با لسان وحی، از اهل البیت(ع) مدح نموده است. ما اگر از قرآن و احادیث قدسی در مداحی استفاده کنیم راه اعتراض دیگران را میندیم چون از قرآن استفاده کرده‌ایم و کسی نمی‌تواند قرآن را نفی کند. اگر مداح آیات مربوط به اهل البیت(ع) که در قرآن آمده، را به طور کامل بشناسد و در روضه از آنها استفاده کند. در این صورت این روضه متصل به قرآن خواهد بود و اثرات عجیبی در مستمع خواهد گذاشت.

ب: مداحی از لسان اهل البیت(ع):

مدح دیگر مدحی است که از لسان خود اهل البیت(ع) باشد، مانند حدیث مفاخرة حضرت زهرا(س) و حضرت علی(ع) که خودشان را معرفی کردند و یا استغاثه‌های امام حسین(ع) در روز عاشورا، که برای معرفی خود به مردم در چند جا بیان نمودند. اهل البیت(ع) وقتی که خودشان را برای مردم معرفی میکنند، یعنی خدا را معرفی میکنند. ما باید مدحهایی که از لسان خود اهل البیت(ع) صادر شده را به طور کامل بشناسیم و در کارهایمان استفاده کنیم. مداح باید دقت داشته باشد که شخصیت‌هایی را مدح می‌کند که خدای متعال آنها را در قرآن و در احادیث قدسی خود از آنها مدح نموده است. مداح زیرک مداحی است که اهل البیت(ع) را نه از زبان خودش، بلکه از زبان خدای متعال یا خود اهل

البیت(ع) مدح کند، مثلاً شعری بخواند که در آن روایتی از اهل البیت(ع) گنجانده شده باشد.

ج: مداحی از لسان اولیای خدا:

مداحی از لسان اولیاء خدا یعنی بزرگان و عالمان دین، اهل البیت(ع) را مدح کنند که خیلی برای ما قابل استفاده می‌باشد. زیرا علمای دین ابتدا خود به مدح اهل البیت(ع) رسیده‌اند بعد آن را عنوان میکنند، یا به تعبیر دیگر اول می‌بینند و بعد آن را می‌گویند، که البته شنیدن آنها برای ما می‌تواند بسیار لذت بخش باشد. امام راحل(ره) به مرحوم سید احمدآقا میفرمود: اگر می‌خواهی در مسائل معرفتی چیزی بفهمی، اولین کار این است که آنها را انکار نکنی. ما باید یقین کنیم وقتی در مجلسی مدح اهل البیت(ع) گفته می‌شود، خود اهل البیت(ع) در مجلس حضور پیدا می‌کنند و ما در محضر آن بزرگواران مدح آنها را می‌گوییم. بنابراین باید توجه داشته باشیم که فقط برای خدا و اهل البیت(ع) بخوانیم نه برای مردم و مستمعین چون اولین مستمع، خود آن بزرگواران می‌باشند. خیلی از بزرگان نیز همینطور هستند و برای خدا و اهل البیت(ع) حرف می‌زنند نه برای جمعی که پیش آنها نشست‌هاند، مانند مرحوم آیه الله سید علی آقا نجفی(ره). البته لازم به ذکر است که این جفاست که ما از مدح بعضی از اهل البیت(ع) عاجز باشیم و فقط برای چند امام و معصوم بتوانیم شعر بخوانیم و مداحی کنیم. باید یاد بگیریم که برای همه اهل البیت(ع) کار کنیم.

نکته: در مداحی اهل البیت(ع) یک اصل کلی وجود دارد و آن هم اینست که اهل البیت(ع) بی خود به کسی چیزی نمی‌دهند. اگر دیدید یک مداحی شعر، خوب می‌خواند یا دعا، خوب می‌خواند و یا اینکه هر وقت می‌خواند همه گریه میکنند، حتماً به دنبال آن یک زحمت، ریاضت و یا مراقبتی بوده است. یعنی اگر سختی کار را تحمل کردی، برای اهل البیت(ع) راحت می‌توانی نوکری کنی.

استاد: حاج حسین سازور

علل انتخاب شدن ما برای مداحی (به تعبیر دیگر چرا وظیفه مداحی به دوش ما گذاشته شده است ؟)

اگر ما جواب این سوال را بدانیم، سرمایه‌های خوبی بدست می‌آوریم و سعی میکنیم از این سرمایه به نحو احسن حفاظت و حراست کنیم و در نتیجه فیض آن را خودمان می‌بریم. مال خوب، سرمایه خوب، فکر خوب و... نیاز به محافظت خوب هم دارند و نباید آنها را به راحتی از دست داد. بنابراین اگر کسی فهمید که چرا مداح شده در نتیجه مواظبت و مراقبتش بیشتر خواهد بود. دلائلی که ما برای کسوت نوکری و مداحی اهل البیت (ع) انتخاب شده ایم عبارتند از:

۱- پی بردن به عنایت خاص خدای متعال یا اهل البیت (ع):

انسان باید درک کند که این مسئولیتی که روی دوشش گذاشته شده، عنایت خاص خدای متعال و اهل البیت (ع) است. تشخیص این عنایت به عهده خود انسان است. اگر ما دارای صفات مدح شدیم، در نتیجه اهل البیت (ع) ما را یاری میکنند، یعنی عنایت خاص به ما خواهند داشت.

۲- کشف تواناییهای مداحی در درون خود:

هر کسی خودش متوجه این امر میشود که چه تواناییهایی در وجود خود به صورت بالقوه دارد. مثل داشتن صوت خوش، سرودن شعر، بیان خطابه و تقلید صدا از بهترینها و...، مثلا در بین چند نفر متوجه میشود که صوت او از همه بهتر است. اگر فردی در خودش، یکی از عواملی که بیان شد کشف کرد، پس می‌تواند خود را برای مداحی آماده نماید.

۳- نگاه خاص به محیط اطراف خود و تطبیق با رویدادهای مربوط به اهل البیت (ع):

باید سعی کنیم که نگاهمان به رویدادهای اطراف، نگاه خاص باشد. بعضی از مداحان با تجربه هستند که برای روضه خواندن، از رویدادها و اتفاقات محیط خود کمک میگیرند.

بنابراین اگر در وجود کسی، توانایی مداح شدن به وجود آمد حتما نگاهش با دیگران متفاوت خواهد بود.

۴- یقین و اطمینان از مهمور شدن به مهر فاطمی و علوی:

ما باید یقین کنیم که حضرت زهرا (س) و امیرالمؤمنین (ع) به ما مهر نوکری زده‌اند و این مسئولیت را برعهده ما گذاشته‌اند. البته یقین مداح، حتی برای دیگران نیست. بلکه این یقین برای خود فرد مداح و کسانی که به او اعتماد دارند مورد وثوق می‌باشد. همانطور که مکاشفات افراد، برای خودشان و افرادی که مورد اطمینان آنها هستند مستند و مستدل می‌باشد.

این یقین از راههای مختلفی بدست می‌آید که عبارتند از:
الف: فرد مستقیما انتخاب شده اهل البیت (ع) باشد.

ب: از طریق افراد مورد وثوق مانند اولیاء الله به او ثابت شود.

ج: دعای خاص افراد مستجاب الدعوه مانند پدر و مادر باعث شود.

د: از طریق پی بردن به عظمت مداحی.

۴- یقین و اطمینان از مهمور شدن به مهر فاطمی و علوی:

ما باید یقین کنیم که حضرت زهرا (س) و امیرالمؤمنین (ع) به ما مهر نوکری زده‌اند و این مسئولیت را برعهده ما گذاشته‌اند. البته یقین مداح، حتی برای دیگران نیست. بلکه این یقین برای خود فرد

شخصی و ظاهری می باشد. مداح باید نام یا لقب مناسب برای خود انتخاب نماید و لباسش ساده و مرتب باشد. شغل مداح نیز باید با وظیفه مداحی تناسب داشته باشد و حتی حد محاسن و شارب شرعی رار عایت نماید.

والسلام

استاد: حاج حسین سازور

ویژگیهای ذاکر:

در فصل گذشته صفات ذاکر را بیان کردیم و در این فصل می خواهیم ویژگیهای یک ذاکر را بیان نماییم. فرق بین صفت و ویژگی در اینست که صفت در وجود انسان قرار دارد، ولی ویژگی را باید فرد در وجود خود ایجاد نماید.

ویژگیهای یک ذاکر عبارتند از:

۱- دارا بودن صوت خوش:

صوت خوب می تواند یکی از ابزار مهمی در جذب افراد به سمت مجالس اهل البیت(ع) باشد. مشخصه یک ذاکر اهل البیت(ع)، خوب خواندن است. به ما سفارش شده است که حتی قرآن و اذان را نیز با صوت خوب بخوانند.

۲- خوب خواندن و کم خواندن:

همه هدف ما در دستگاه سیدالشهدا(ع) اینست که در مردم تشنگی ایجاد کنیم و مردم را تشنه روضه خوانی و دستگاه سیدالشهدا(ع) نگه داریم، چون ظرفیتهای مردم با هم فرق می کند. بنابراین ذاکری که هم کم و هم خوب بخواند ضمن اینکه در مردم تشنگی ایجاد خواهد نمود مردم نیز به مجالس علاقمند می گردند. از سوی دیگر ذاکر باید صداقت در خواندن داشته باشد یعنی اگر می

مداح و کسانی که به او اعتماد دارند مورد وثوق می باشد. همانطور که مکاشفات افراد، برای خودشان و افرادی که مورد اطمینان آنها هستند مستند و مستدل می باشد.

این یقین از راههای مختلفی بدست می آید که عبارتند از:

الف: فرد مستقیماً انتخاب شده اهل البیت(ع) باشد.

ب: از طریق افراد مورد وثوق مانند اولیاء الله به او ثابت شود.

ج: دعای خاص افراد مستجاب الدعوه مانند پدر و مادر باعث شود.

د: از طریق پی بردن به عظمت مداحی

استاد: حاج حسین سازور

صفات ذاکری:

۱- صفات باطنی:

صفات باطنی همان تقوای الهی است. باید سعی کنید حلال و حرام خدا را رعایت نمایید. خودتان را با تقوای الهی زینت ببخشید. با نفس خود مبارزه کنید و رذائل را از وجودتان تطهیر نمایید تا انسانهای پاک و متدین گردید.

۲- صفات ظاهری:

مداح اهل البیت(ع) نه تنها باید دارای صفات خاص باطنی باشد بلکه از نظر ظاهری هم باید دارای ویژگیهای خوبی باشد. در حال حاضر مشکلی که ما خیلی با آن روبرو هستیم همین ظاهر ذاکرین می باشد. ما نباید ظاهر خود را طوری آراسته کنیم که مورد سؤال دیگران قرار بگیریم. از جمله مواردی که باید در آراستگی آن دقت کافی و وافی داشته باشید، مواردی مانند: چگونگی لباس، شغل، نام، محاسن و نظافت

گوید ۲ بیت می خوانم و رفع زحمت می کنم حتماً باید بیشتر از ۲ بیت نخواند.

آب کم جوی و تشنگی آور بدست تا بجوشد آیت از بالا و پست

۳- ذاکر باید دعاخوان باشد:

ذاکر اهل البیت(ع) باید توانایی دعاخواندن داشته باشد. اصل خواندن دعا، ثواب دارد. ولی معلوم نیست شعری که ما انتخاب کردیم شعر مورد نظر اهل البیت(ع) باشد. ولی ادعیه، کلام نورانی اهل البیت(ع) هستند. در زیارت جامعه کبیره می خوانیم که « کَلَامُكُمْ نُورٌ ». شما اجباراً در بعضی از موارد باید روضه را همراه دعا بیان کنید تا مستمع بیشتر و بهتر با معارف اهل البیت(ع) آشنا شود. مثلاً در هنگام روضه خواندن، مجبور شوید فزاینده‌ای از دعای ندبه یا جامعه کبیره را بخوانید اگر نتوانید دعا را بخوانید اثر منفی خواهد گذاشت.

در دعاخواندن توجه به چند نکته حائز اهمیت است:

اول اینکه اصل خواندن دعا ثواب زیادی دارد چون از لسان اهل البیت(ع) بیان شده است.

دوم اینکه دعا را باید بطور صحیح و درست بخواند.

سوم اینکه ذاکر باید معانی دعا را هم بداند.

وچهارم اینکه ذاکر باید بداند نکات دعایی را درکجای شعر یا مقتل استفاده نماید.

۴- ذاکر باید اهل سوز و اشک چشم باشد:

امام صادق(ع) فرمودند: « شما وقتی که در مصائب جد ما، اشک بر گونه‌هایتان جاری شود، اولین اثرش اینست که خدای متعال گناهان آن شخص را میبخشد و گناهان و رذائل او تبدیل به حسنات می گردد. « انقلاب امام سجاد(ع)، انقلاب اشک بود. سلاح مومن، اشک او است. اشک سلاحی است که صدا ندارد ولی تأثیرش

بسیار زیاد است. در روایت آمده که: « اگر یتیم قطره ای اشک بریزد عرش خدا به لرزه در می آید. » و باز در روایت داریم که فرمود: « اشک که بر گونه جاری شد، درهای رحمت خدا باز میشود. » نوعاً کسانی که دارای اشک چشم هستند مورد عنایت پروردگار و اهل البیت(ع) می باشند. ذاکر باید خود اهل سوز و اشک چشم باشد، در غیر اینصورت نباید از مردم و مستمعین خود توقع داشته باشد. شما باید زمانیکه در مجلس اهل البیت(ع) شرکت میکنید این سلاح را همراه خود بیاورید، زیرا شما به جنگ با شیطان میروید.

ضرورت مخاطب شناسی- موسیقی مذهبی (سخنان حجت الاسلام پناهیان)

و اهل ساز و آوازی هستند، وقتی مسیحیان آمدند، بزرگترین کشور مسلمان در آفریقا تبدیل شد به یک کشور مسیحی.

موسیقی مذهبی مهم است

ما الان باید به جهان مداح صادر کنیم ولی این کار را انجام نمی دهیم، واقعا ما قصه مداحی را خیلی دست کم گرفتیم؛ سالهاست کشور ما دانشکده موسیقی دارد، اما دانشکده ای برای موسیقی های مذهبی تأسیس نشده است، در حالی که یکی از بهترین اساتید دانشکده موسیقی و دانشکده هنر آقای دکتر حاتم عسگری است که در این زمینه استاد هستند؛ ایشان می گفت من نزد آقای سلطان الواعظین درس می خواندم، ایشان وقتی می خواست به استاد عسگری درس بدهد، برای یادگیری بعضی از گوشه ها می گفتند: باید نماز صبح را بیرون شهر بخوانی و صفای باطن پیدا کنی تا من بعضی از گوشه ها را به شما درس بدهم؛ حالا خود ایشان به بنده می فرمود: الان شاگرد با صفایی که اسرار موسیقی را به او یاد بدهم ندارم؛ ایشان می گفت من موسیقی های صدا و سیما را گوش نمی دهم چون بر روی شنوایی من اثر منفی دارد. ایشان می گفت: بعضی از این مداح ها که در خدمت مقام معظم رهبری می خوانند در دستگاه نمی خوانند، این برای مداحی خوب نیست، برای آقا خوب نیست.

مداحی در منظر امام خامنه ای

مقام معظم رهبری برای مداحی قیمت قائل هستند یعنی مداحی را ارج می نهند؛ سالی یک بار میلاد حضرت زهرا (سلام الله علیها) با مداحان دیدار می کنند، یک گروه دیگر هم دیدار دارند که آن هم قاریان قرآن هستند - برای گروه دیگری نداریم اینطوری کار بکنند - این یعنی خیلی بهای می دهند. در تعاریفشان هم مداح را مبلغ دین می دانند و برای مداحی تأثیرات بالایی قائل هستند؛ واقعا هم عالی نگاه می کنند. به تعبیر حضرت آیت الله بهاء الدینی (رضوان الله تعالی علیه) خدا این ودیعه الهی را برای ما حفظ کند.

رشته دلداری

در مسیر کار خودتان مستحکم باشید؛ الان برای هتلداری رشته رسمی دانشگاهی می گذارند، ولی شما رشته «دلداری» در اختیارتان است. می خواهید دلها را اداره کنید، هتل کجا دل کجا؟! این از ضعف ما و از غربت اهل بیت (علیهم السلام) است. ما جمهوری اسلامی تشکیل دادیم تا به اینگونه مواهب معنوی هم برسیم، پس شما اگر



باید قدر بدانیم

این حرکت بسیار خوب و مبارکی است که ذاکرین اهل بیت (علیهم السلام) برای موفقیت در کارشان رنج تحصیل را تحمل بکنند و انشاءالله معجز خواهد بود. کسی بخواد برای اهل بیت (علیهم السلام) خدمت بکند یقینا آمانگیش را بیشتر می کند و علاقه مندانه هم دنبال این کارها می رود؛ اگر چه نور و صفا و اخلاص و... که باید درکار باشد و خودشان عنایت بکنند بحث دیگری است ولی ما باید وظیفه خودمان را انجام بدهیم. روز قیامت معلوم خواهد شد که ما چقدر از امام حسین (علیه السلام) کم بهره برده ایم؛ یعنی اگر هر دین، آیین و مکتب دیگری بود و یکی از شهدای کریم را داشت تا حالا سر همه عالم را برده بود از اینکه از او استفاده کند.

اهمیت مداحی

چندین سال قبل - پانزده یا شانزده سال پیش - به چندین کشور آفریقایی رفته بودم؛ دیدم که مبشران مسیحی به سبک مداحی و روضه خوانی که ما داریم، ایستادند بین مردم و برای مردم روضه خوانی می کنند؛ حتی دیدم که در یک پارک، روی یک بلندی ایستاده - می دانید که صوت و نغمه هم در آفریقا خیلی باب است؛ در یکی از فرودگاه ها شبیه همین مراسم های سینه زنی جنوبی دیدم، وقتی سؤال کردم که این مراسم چیست؟ در پاسخ به من گفت این مراسم وداع است؛ آنها خیلی انسانهای ریتمیک

خواستید نظریه دوست و طلبه خودتان را بشنوید، بدانید که این کار خیلی لازم و جای آن خیلی خالی است، خیلی سنگین تر از این باید کار کرد؛ اگر تا حالا به آن خوب پرداخته نشده، دلیلش این است که توفیق خیلی بزرگی می خواهد. به این سادگی مسئولین فرهنگی توفیقات بزرگ پیدا نمی کنند، مگر اینکه خیلی زمینه آماده بشود. انشاءالله شما بتوانید در فرهنگ مداحی کشور جا بیندازید که ما واقعاً معتقدیم مداحی آموزش می خواهد؛ در قدیم - ۵۰۰ سال پیش - هیچ دانشگاهی نبود، یک بنایی را می ساختند طوری هم نبود، ولی الان دیگر دانشکده‌ی معماری و نظام مهندسی است و تا زمانی که تأیید نکند اصلاً نمی شود یک واحد مسکونی کوچک هم ساخت؛ قدیم هم مداحی دانشکده نداشت اما الان قصه عوض شده و علم پیشرفت کرده است.

اهمیت مداحی

موضوع بحث بنده مخاطب شناسی است، در موضوع مخاطب شناسی زمانی بود که کسانی مداحی را گوش می کردند که از آب گذشته بودند و از هفت خان رستم عبور کرده، دیگر لازم نبود مداح دنبال کسی برود به خاطر همین هم مداحی خیلی مورد نقد قرار نمی گرفت؛ اما الان اینجور نیست! الان کسانی می آیند پای مداحی های شما که از آب گذشته نیستند و از هفت خان رستم عبور نکردند. حاکمیت اسلامی با شما و مقام معظم رهبری طرفدار شما است، امام طرفدارتان است، نظام طرفدار شماست؛ اما الان شما همه نوع مخاطب دارید و دشمنان شما حساس تر شده اند؛ تا قبل از انقلاب حرمتی قائل نبودند و حتی تمسخر می کردند، اما الان قویترین تروریست های بین المللی گریه کنندگان شما را می کشند، دشمنی هایی که با شما وجود دارد عجیب است، تازه فهمیده اند اینجا چه خبر است! از آن طرف مخاطبهای شما هم بین المللی شده اند؛ آیا واقعاً اینها آموزش نمی خواهد؟ ما در جهانی زندگی می کنیم که مشتری زیاد و بین المللی شده است، دشمن زیاد شده است، مخاطب ها هم انواع و اقسام پیدا کرده اند. با این وضع نباید یاد بگیریم چطور بخوانیم؟ قصه خیلی فرق می کند؛ اگر هیچکدام از این ها هم نباشد یکی از کسانی که پای جلسه روضه می نشیند و گوش می دهد حضرت زهرا (س) اطهر (سلام الله علیها) است، اگر ما به این موضوع ایمان داشته باشیم، حتماً باید به جاهایی سر بزنیم و سؤال کنیم تا بدانیم چگونه باید بخوانیم.

ضرورت مخاطب شناسی

خیلی از افراد هنرمند و توان مند هستند و ویژگی های مثبتی در خواندنشان است، اما مشکل اینجا است که مخاطب خود را نمی شناسند یا نمی توانند متناسب با مخاطب

بخوانند؛ شما اگر صد نوع خواندن بیابید برای صد نوع مخاطب خوب است، مثلاً تا چند سال قبل بنده می دیدم یک سری نوارها کنار حرم امام رضا (علیه السلام) فروخته می شد که بنده حاضر نیستم حتی یک دقیقه از این نوارها را گوش بدهم، اما این نوار مخاطب دارد و خواننده هم برای مخاطب خودش خوانده و خوب هم خوانده است؛ اگر کسی می خواهد بفهمد که توانایی لازم را برای خواندن دارد یا نه! باید مخاطب خود را پیدا کند و بداند که برای چه کسی می خواند؛ برای آن مخاطب کدام صدا، کدام نوع خواندن و کدام مضامین خوب است، پس به طور مطلق نمی شود گفت که چه نوع خواندنی خوب است و چه نوع خواندنی بد است؛ در نتیجه مخاطب شناسی باید جزء ویژگی های خواندن قرار بگیرد.

بیان هنرمندانه

در بیان، هنرمند واقعی چه کسی است؟ کسی که بتواند متناسب با مخاطب بخواند، مداح در جمع علما باید یک نوع بخواند، در جمع دانشجویان یک نوع و نزد مردم عوام یک نوع دیگر بخواند، اما یک سری از مداحان محترم رعایت نمی کنند و یک دفعه جلسه به هم می ریزد، عوام و خواص پس می زنند. وقتی آرم خراب می کند، از چه حیث خراب می کند؟ یک شب عالم بزرگواری در حال سخنرانی بود، در جلسه مقام معظم رهبری و رئیس جمهور هم حضور داشتند، این عالم یک سخنی گفت که در واقع درست بود اما آنجا جای گفتن این حرف نبود، فرمود «هیچ عالم دینی رئیس جمهور نمی شود». - خود مقام معظم رهبری هم رئیس جمهور بوده است - این عالم، باید اینگونه سخن می گفت: «طلبه ها به فکر رئیس جمهور شدن نباشند، عشق به علم و معرفت بالاتر از این پست های دنیایی است.» این عجب کلام درست و صحیحی هست. پس در یک فضا یک حرف به شدت درست، تبدیل به یک حرف به شدت غلط می شود چون با مخاطب جور در نمی آید.

تفاوت مخاطبین

امروز فاصله مخاطب ها با هم دیگر زیاد شده است و انواع مختلفی از مخاطب داریم؛ اولین کتابی که بنده نوشتم «شهر خدا» نام دارد، می خواستم برای آن مقدمه بنویسم، یک مقدمه با نثر ادبی برای آن نوشتم و یک مقدمه هم به همان سبک سخنرانی اما مرتب تر از آن. بعضی از دوستان خودم مقدمه ادبی آن را پسندیده بودند، یکی از دوستان می گفت اصلاً مقدمه خوبی نداشت حتی نصف آن را هم نخواندم اما متن کتاب خوب بود اگر ۲۰۰ صفحه دیگر هم ادامه پیدا می کرد آن را می خواندم. این دو نفر هر دو دوست من هستند، هر دو نفر هم سخنرانی های من را گوش می دهند اما ببینید

چقدر سلیقه های آنها با هم فرق دارد.

انواع مخاطب

مخاطب ها از جهات مختلف تنوع دارند، شما باید بدانید که مخاطب خود را چگونه انتخاب می کنید؛ بعضی اوقات مخاطبان شما، مخاطبان داوطلب هستند، اما گاهی اوقات هم مخاطب داوطلب نیستند - برای یک اداره یا یک مجلس ختم - این مخاطب با آن مخاطبی که برای شنیدن روضه به مجلس می آید خیلی فرق می کند، حتی برای او فرقی نمی کند چه کسی می خواند و با شما هم ارتباط برقرار نمی کند. بعضی از مخاطب ها هم هستند که داوطلب شما هستند و فقط از شما می خواهند که برای آنها بخوانید تا گریه کنند. منبری های مشهور برای خودشان مخاطب داوطلب و خاص خودشان را دارند که آن مخاطب، مداح را ارزیابی نمی کند. پیشنهاد بنده این است که شما برای مخاطبان غیر داوطلب بخوانید، سعی کنید که آنها را وارد گود کنید؛ هم خیلی سخت است هم اینکه باعث تقویت شما می شود، مخاطب غیر داوطلب را متقاعد کنید که این صحنه سوزناک است، این هنرمندی است. چون بعداً مجبور می شوید چیزهایی را بگویید تا او گریه کند که شاید کسی این مطالب را برای خود شما هم نگفته باشد، این خیلی ارزش دارد که شما سطح مخاطب خودتان را افزایش بدهید.

نمی توانید همه را راضی نگه دارید!

چشم خود را نبندید و بخوانید، مخاطب شناسی خود را افزایش دهید، اصلاً باید اطلاعات کسی که زبان تبلیغ و زبان هنر دارد نسبت به انواع مخاطب ها زیاد باشد. بعضی افراد هستند که صدای نازک دوست ندارند، بعضی از افراد صدای کلفت دوست ندارند. توسعه اطلاعات شما درباره انواع مخاطبان، دست شما را برای اداره مجلس باز می کند. مثلاً ممکن است شما یک روضه ای بخوانید که نیمی از مستمعین با آن گریه کنند و بسوزند اما نیمی دیگر اصلاً از آن راضی نباشند و به آن اعتراض کنند؛ اگر بخواهید میانه رو باشید و همه مخاطبان خود را راضی نگه دارید باز هم نمی شود و فقط می توانید یک طیف از مخاطبان خود را داشته باشید، مثلاً شما نمی توانید مثل آقای سماواتی بخوانید و مخاطب حاج محمود کریمی را داشته باشید؛ اینها با هم فرق می کند. باید بگویی من برای اهل بیت (علیهم السلام) می خوانم و بس! اگر بتوانید برای انواع مخاطب ها بخوانید خیلی خوب است، پس تا اینجا به این نتیجه رسیدیم که:

باید با احتیاط بخوانید

مخاطب خودتان را بشناسید

بدانید سبک خواندنتان برای چه نوع مخاطبی خوب است

نمونه ای برای روانشناسی مخاطب

به مخاطب نگاه می کنم که چرا باید برای حضرت رقیه (سلام الله علیها) گریه کند؟ چون دختر امام حسین (علیه السلام) است؟ آن مخاطب اینقدر با امام حسین (علیه السلام) ارتباط ندارد که بخواهد به خاطر دختر او خود را بزند، این حرف برای کسانی است که عاشق اهل بیت (علیهم السلام) هستند؛ «روانشناسان می گویند که بچه در سه سالگی یک احساسی نسبت به پدر و مادر خودش دارد، که آنها را ابر قدرت می داند، لذا وقتی به آنها پناه می برد و از آنها می خواهد که مشکل او را حل کنند، واقعاً می خواهد که مشکل او را حل کنند، بعد کم کم متوجه می شود که اینگونه نیست. بچه های امام حسین (علیه السلام) وقتی به حضرت زینب (سلام الله علیها) پناه می بردند، انتظار داشتند که عمه مشکل را حل کند، اگر بزرگتر چنین بچه ای را کتک بزنی نابود شده است اما اگر خودش را بزنی این همه نابود نمی شود. اگر بزرگتر او را کتک بزنی پشت و پناه خود را از دست می دهد.» این مخاطب را متقاعد می کند، حتی اگر گریه هم نکند آه می کشد؛ شما اگر سطح را بالا بگیرید و با یک ادبیات خودمانی صحبت کنید ولی برهان عمیق داشته باشید، خیلی متفاوت می شود.

مخاطب غیر همراه را همراه کنید

در اوایی که شروع به سخنرانی در مجالس کردم، برای خودم روشی در نظر گرفتم؛ مثلاً اگر روضه می خوانم، کسی ایستاده و در حال مسخره کردن من است، نوع روضه خواندن من باعث شود تا او دست از کار خود بردارد و خود او هم گریه کن شود، به افرادی که پای منبر گریه می کردند توجه نمی کردم، فکر می کردم آن کسی که در جلسه گریه نمی کند چه کسی است و برای او روضه می خوانم. گاهی اوقات اگر بخواهم با کسی که حال گریه و بکاء دارد همراهی کنم، می بینم منظره خوبی ندارد و زننده است؛ لذا به دوستان خودم توصیه می کنم که اگر قرار است در تلویزیون بخوانند ضعیف ترین مخاطب را از نظر گریه و بکاء در نظر بگیرند، البته در کلاسهای روش تبلیغ هم این نکته را یادآوری می کنیم و می گوییم که اگر در یک جلسه سخنرانی کردید و عده ای هم شما را تأیید کردند با آنها جلو نروید، فکر کنید یک عده در جلسه هستند که دارند شما را مسخره می کنند. شما وقتی آن مخاطب غیر همراه را همراه کنید می بینید که طیف تأثیر گذاری خود را افزایش داده اید.

دقیق بخوانید

خواهید شخصی را که به مجلس ختم آمده مرتبط کنید؟!
زبانحال او را بگویید؛ دیدید گاهی اوقات شما زبانحال
عاشقان را می گویند حالا یک بار هم بیابید و زبانحال
عاقلان را بگویید. از این گونه اشعار در خواندن خود استفاده
کنید:

سخن از باده و پیمانۀ مگو
میخانه مگو
دیگر از آن می و

من که بیهوش نیم از مستی
مستانه مگو
از صدای بد

من که نامحرم و ناپاک دلم
دردانه مگو
از رُخ آن دُر

من که شب کورم و هم مرده دلم
فرزانه مگو
بر من از مه

من و بالی ست به دوشم که مپُرس
پروانه مگو
از سبک بالی

من هوایی به دلم نیست که نیست
دیوانه مگو
از صفای دل

بعضی افراد می توانند برای مخاطب هوشمند بخوانند و
بعضی هم برای مخاطب غیر هوشمند. وقتی برای مخاطب
غیر هوشمند می خوانند به جایی می رسند که دارند غلط
می خوانند، مثلاً بگوییم که امام حسین (علیه السلام) قنداقه
حضرت علی اصغر (علیه السلام) را روی دست گرفته بود
تا به سوی خیمه ها برگردد، حالا جواب خانم رباب را چه
بدهد؟ خوب یک بخشی تا اینجا درست است، «جواب خانم
رباب را چه بدهد» کمی درست است اما نه به صورت
دقیق؛ اما بعد یک زبانحال از حضرت رباب بخواند - من
بچه را دادم که سیرایش کنی، کجا اینگونه بچه ای را
سیراب می کنند - خانم رباب به امام حسین (علیه السلام) این
حرف را نمی گوید!!! حضرت رباب یک جمله در تاریخ
دارد، او زن با معرفت امام حسین (علیه السلام) و بانویی
عارفه است. اگر بخواهد چیزی بگوید، می گوید حسین جان
سرت را بالا بگیر، علی اصغرم فدای تو. نگاه شما عوامانه
باشد روضه را عوامانه می خوانید، عوام هم با آن ارتباط
برقرار می کنند اما اگر خواص باشند حداقل کار این است
که نمی توانند با روضه ارتباط برقرار کنند.

سبک نخوانید

من عجولانه سر بیع شدم
مگو
سخن از نسیه و بیعانه

من مقیم آشیان هوسم
مگو
از بد این قفس و دانه

اینجا می توان به آن شعر معروف که می گوید « مرغ باغ
ملکوتم نیم از عالم خاک » گریز زد و آن را خواند، ممکن
است عده ای هم با آن گریه کنند، البته این به عنوان نمونه
است شما باید شعر هایی پیدا کنید که خوب و قوی باشند.

باقی راحت و جان می طلبم
مگو
از فنا گوشه ویرانه

بنگر خار به چشمان ترم
مگو
از جمال گل و گلخانه

آشنا را مددی نیست مرا
مگو
دیگر از یاری بیگانه

خاطرم نیست که عهدی باشد
مگو
از وفاداری مردانه

باورم نیست که باشد خبری
مگو
تو هم آن قصه و افسانه

اشعار و سبک ها هم اینگونه هستند؛ مثلاً بعضی از افراد
فکر می کنند اگر بخوانند جوانها را به شور بیاورند باید
اشعار دم دستی و یا به تعبیر غلط پاپ بخوانند، در صورتی
که اگر ضرب آهنگ قوی باشد و شما حماسی بخوانید جوان
به شور می آید؛ لازم نیست حتماً سبک بخوانید؛ ممکن است
یک عده از جوانها ارتباط برقرار کنند ولی علت اصلی
اینکه جوانها ارتباط برقرار می کنند صداقت، صراحت،
صمیمیت، حماسه و شور است. شما اینها را اجرا کنید،
جوان مخاطب شما جذب می شود ولی سبک نخوانید؛ منتهی
خیلی از جوانها هستند که اگر سبک هم بخوانید گله نمی
کنند ولی یک عده دیگر گله می کنند.

خواندن در مجالس ختم

باید بدانیم که برای انواع و اقسام مخاطبان چگونه بخوانیم،
حتی روضه خواندن برای کودکان حتماً متفاوت است.
مخاطبی که داوطلب نیست از چه نوع مخاطبی است؟ آیا
روشنفکر است؟ کارگر است؟ یکی از دوستان به بنده می
فرمود حتماً در مجلس ختم برای خواندن شرکت کن چون
در مجلس ختم افرادی می آیند که هیچ مجلس دیگری پای
منبر نمی آیند. مجلس ختم را سبک تلقی نکنید، بروید و
خوب هم روضه بخوانید، بگذارید که آن شخص یک تجربه
خوب از امام حسین (علیه السلام) پیدا کند. شما چگونه می

را نمی توانیم درک کنیم و اینگونه روضه ها را نمی توانیم خوب بخوانیم.

سن مخاطب

از حیث سن مخاطب هم انواع مخاطبان را داریم؛ مثلاً اگر شما برای جوان ۱۷ یا ۱۸ ساله روضه بخوانید زود از ظلم و نامردی غضبناک می شوند، اگر بخواهید برای این ها بخوانید باید بگویید که حضرت عباس را نامردی زدند، این را می فهمد و یک حس خاصی پیدا می کند اما اگر این مطلب را برای یک آدم ۴۰ ساله بگویید زیاد متأثر نمی شود. کلمات بار روانشناسی دارند، برای افراد با سن مختلف؛ مثلاً روضه هایی از حضرت علی اصغر (علیه السلام) را پیرمردها می توانند بفهمند، آنجا که امام حسین (علیه السلام) می فرماید خدا را شکر که به ابراهیم (علیه السلام) رحم کردی چون سنی از او گذشته بود، آدم وقتی سنی از او می گذرد نسبت به کودک یک حالت دیگری پیدا می کند.

از حیث طبقه اجتماعی و طبقه فرهنگی باید در نظر گرفت؛ مثلاً اگر بخواهید با مخاطب بالای شهر ارتباط بگیرید، شاید موفق نباشید اما پایین شهر از لحاظ ارتباط بهتر و قوی تر است.

حرف آخر

حرف آخر اینکه، حرف مردم را گوش دهید؛ قضاوت مردم درباره خواندن ها را گوش دهید، آدمها را بشناسید چون شما نوکر مردم هستید، شما نوکر گریه کنندگان بر اهل بیت (علیهم السلام) هستید، نوکر اهل بیت (علیهم السلام) نیز هست. نوکر گریه کننده بر اهل بیت (علیهم السلام) نیز هست.

بعضی اوقات شما باید زیانحال افرادی را بگویید که نمی توانند ارتباط برقرار کنند، البته باید متواضعانه باشد؛ یا کسانی هستند که ارتباط برقرار می کنند اما گریه نمی کنند، نگذارید اعصاب آنها بهم بریزد، چیزی بگویید تا آرام شوند.

ما انواع مخاطبان را داریم و باید برای انواع مخاطب حرف داشته باشیم؛ دیگر اینکه از حیث آمادگی، مخاطب داوطلب است اما آمادگی گریه کردن ندارد، کاری نکنیم که اعصاب او بهم بریزد و برود؛ بنده این حرف را از حاج منصور ارضی شنیدم که به مستمع خود می فرمود: اگر گریه نمی کنی گوش بده و لذت ببر؛ بعضی از افراد مخاطب را زجر می دهند، مثلاً به او می گویند: گریه کن... این اصرار برای گریه کردن مخاطب، برای بعضی از افراد ضرر دارد، باید انواع مخاطب را در نظر گرفت و جذب کرد. از حیث سطح معلومات، انواع مخاطب داریم. باید متناسب با سطوح مختلف معلومات بتوان روضه خواند.

روانشناسی خاتمهها

باید برای خانم ها روضه ای خواند که بتوانند با آن گریه کنند، البته گاهی بعضی از مداح ها در هنگام روضه خواندن می گویند که مثلاً خانم ها این روضه را بهتر می فهمند، در هر صورت باید روانشناسی زن را بلد باشید. به طور مثال اکثر ما روضه خوان ها روانشناسی زن را بلد نیستیم، چرا؟ چون روضه هایی که برای خانم حضرت رباب (سلام الله علیها) می خوانیم زیاد خوب نیست. امام صادق (علیه السلام) فرمود: مرگ یک مرد بیشتر از همه برای همسرش سخت تر است، بنده مدتی روی روضه های حضرت رباب (سلام الله علیها) کار کرده ام، عنایتی کرده اند و مضامینی داده اند که خیلی عجیب و سوزناک است. می گویند مدتی قنذاقه به دست خود می گرفت و گریه می کرد، اگر اینگونه بوده می گویم قنذاقه را در دستش گرفته بود هی زیر لب می گفت: «حسینم، علی اصغر به فدای تو» ولی تا وقتی زینب بود با صدای بلند حسین حسین نمی کرد، می فرمود: من کجا حسین کجا؟! سوز دل رباب را باید بفهمی، تا زن نباشی نمی فهمی! زن اگر مردش برود نابود شده است، حضرت زینب (سلام الله علیها) یک سال و نیم بعد از واقعه کربلا زنده بود و حضرت رباب (سلام الله علیها) یک سال. یک اصطلاحی داریم - حدیث آن هم موجود است - مینی بر کمک کردن زنها به یکدیگر برای گریه کردن؛ این را مردها زیاد نمی فهمند، اگر چه الان به جایی رسیده ایم که مردها هم مثل زنها گریه می کنند ولی باز هم حس خانم ها را درک نمی کنند. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) سفارش می کردند که فاطمه (سلام الله علیها) را در گریه کردن کمک کنید، در روایت دارد که آنهایی که به حضرت زهرا (سلام الله علیها) در گریه کردن بر حمزه سید الشهداء (علیه السلام) کمک می کردند اسم خاصی داشتند؛ ما چون مرد هستیم حس خانم ها